

# همسرم زود به خانه می‌آید!



عسل بهانه‌ای عجیب برای جدایی از شوهرش داشت. او تنها به خاطر این که شوهرش هر روز زود از اداره به خانه برمی‌گشت، جنجال راه انداخت و در نهایت نیز تصمیم گرفت برای همیشه

از او جدا شود. این زوج هفته گذشته درخواست طلاق خود را به قاضی دادگاه خانواده تهران ارائه کردند.

مرد جوان وقتی مقابل قاضی قرار گرفت، درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: شش ماه بیشتر نیست که ازدواج کرده‌ام ولی در این مدت یک روز خوش هم ندارم. همسرم فقط به خاطر این که ساعت کاری‌ام زود تمام می‌شود و من زود به خانه برمی‌گردم با من دعوا می‌کند. از همان روزهای اول وقتی از اداره به خانه برمی‌گشتم، زیر لب غمی زود و می‌گفت برای چه این قدر زود برمی‌گدی. یا اضافه‌کار بمان یا کار دوم پیدا کن. ولی من نیازی به کار دوم ندارم و دوست ندارم در اداره اضافه‌کار بمانم اما همسرم متوجه نمی‌شود. مرتب غمی زود و بهانه جویی می‌کند. اوایل اهمیتی نمی‌دادم ولی دیگر این رفتارش توهین‌آمیز شد و نتوانستم تحمل کنم. جوری شده بود وقتی ساعت کارم تمام می‌شد و می‌خواستم به خانه برگردم، استرس می‌گرفتم.

چون می‌دانستم اگر این ساعت به خانه بروم، همسرم قیافه می‌گیرد و بهانه جویی می‌کند. در نهایت نیز با هم دعوا می‌مان می‌شد. زمان‌هایی که دیر برمی‌گشتم این‌طور نبود و با رویی گشاده از من استقبال می‌کرد. ولی دیگر نتوانستم تحمل کنم. کم‌کم این رفتار برایم آزاردهنده شد تا جایی که من هم تصمیم گرفتم کار را که خودم راحت هستم انجام بدهم. هر روز سر ساعت به خانه برمی‌گشتم و همین مساله کارمان را به دادگاه خانواده کشاند. حالا هم دیگر نمی‌خواهم در کنار این زن خودخواه زندگی کنم.

در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم تنبل است. او می‌تواند اضافه‌کار بماند و پول خوبی بگیرد؛ ولی هر روز ساعت ۱۴ به خانه برمی‌گردد. تا شب هم در خانه می‌ماند. من دوست ندارم شوهرم این همه ساعت در خانه بماند. او باید برود و کار کند. وقتی هم در خانه است مرتب غمی می‌زند. در صورتی که می‌تواند در اداره بماند و اضافه‌کاری خوبی بگیرد. اما لجبازی می‌کند و سر ساعت برمی‌گردد. در این مدت خیلی سعی کردم به او بفهمانم من به خاطر زندگی‌مان اصرار دارم اضافه‌کاری کنم. ولی فایده‌ای نداشته است. شوهرم به حرف‌های من اهمیتی نمی‌دهد. فقط می‌خواهد لجبازی کند و

## موقع انتخاب همسر دقیق و زیرک باشید

**سارا شقاقی، روان‌شناس** در این خصوص می‌گوید: زن و مرد وقتی همدیگر را به عنوان همسر آینده خود انتخاب می‌کنند باید به این نکته توجه داشته باشند که در زندگی مشترک با او تنها به چهره زیبا و موقعیت مالی مناسب نیاز ندارند بلکه مهم‌تر از همه اینها اخلاق و رفتار اوست که زندگی زناشویی را به سمت آرامش یا شاید هم تنش هدایت می‌کند. بنابراین خیلی مهم است قبل از ازدواج و در دوران مشخص شده برای آشنایی بیشتر، زن و مرد کمی زیرکانه‌تر به رفتار و حرکات طرف مقابل خود دقت کنند تا مبدا بعد از آغاز زندگی مشترک خود را برای انتخاب اشتباه‌شان سرزنش کنند. از طرفی زن و مرد باید این را بدانند بعد از آغاز زندگی مشترک باید تفاوت‌ها را شناخته و درک کنند. باید بدانند با فردی متفاوت از خود، زیر یک سقف زندگی می‌کنند. آنها باید این تفاوت‌ها را پیش از ازدواج بشناسند و بعد تصمیم بگیرند آیا می‌توانند با این تفاوت‌ها سر کنند یا نه. لجبازی و یکدندگی خصوصیتی آزاردهنده است که می‌تواند زندگی مشترک را با مشکل جدی مواجه کند. بنابراین بهتر است، زوج‌ها مهارت گفت‌وگو را یاد گرفته و به جای لجبازی، با هم صحبت کنند. اگر اختلاف و مشکلی دارند، در فضای صمیمی و منطقی راجع به آن مشکل صحبت کنند تا جنجال و دعوا به راه نیفتد. این دعاها اگر زیاد شود، می‌تواند زندگی مشترک را از هم بپاشد.

دعوا راه بیندازد. در این مدت حتی سعی کردم با خوبی و مهربانی سر این مساله با او صحبت کنم، ولی باز هم فایده‌ای نداشته و مرتب دعوا راه انداخته است. من هم دیگر تحمل این مرد را ندارم. نمی‌خواهم از ظهر تا شب با او در یک خانه بمانم و او مرتب غر بزند. در نهایت هم دعوا راه بیندازد. به همین خاطر تصمیم به جدایی گرفتم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زوج خواست با یک مشاور خانواده مشورت کنند.

## محاکمه پسر جوان به اتهام تسبیب در قتل پدرش

# می‌خواستم نشان دهم خطرناکم

محاکمه

«قصدم نشان دهم می‌توانم کارهای خطرناک انجام دهم اما پدرم در آتش جان باخت»، این بخشی از اعترافات پسر معتادی است که به اتهام تسبیب در مرگ پدرش، پای میز محاکمه ایستاد. به گزارش تپش، تحقیقات جنایی در این پرونده پس از گزارش آتش‌سوزی خانه‌ای در شرق تهران آغاز شد. آتش‌نشانان که باتماس همسایه‌ها از ماجرا با خبر شده بودند، خود را به آنجا رساندند و پس از مهار آتش با جسد مرد سالخورده‌ای به نام مرتضی روبه‌رو شدند که بر اثر خفگی جان باخته بود.

جسد با دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد و کارشناسان پزشکی قانونی، علت مرگ را استنشاق گاز منوکسید کربن ناشی از آتش‌سوزی اعلام کردند.

از سوی دیگر، کارشناسان سازمان آتش‌نشانی نیز با بررسی محل، متوجه عمدی بودن آتش‌سوزی شدند.

همسر مرتضی در تحقیقات مقدماتی به مأموران گفت:

پسر ۴۰ ساله‌ام به نام فرزاد، معتاد است. او به خاطر گرفتن پول از من و پدرش با ما درگیر شد و شبانه خانه را به آتش کشید. من و پسر کوچکم هنوز نخوابیده بودیم که متوجه آتش‌سوزی شدید و از خانه بیرون رفتیم. اما شوهرم چون خواب بود، کشته شد.

با شناسایی عامل آتش‌افروزی کینه‌جویانه، او تحت تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد. فرزاد در تحقیقات به جرم خود اعتراف کرد و گفت: مادرم از وقتی کوچک بودیم، برادرم را بیشتر از من دوست داشت و به من بی‌اعتنایی می‌کرد که همین باعث شد به سمت اعتیاد بروم. هر وقت از پدرم و مادرم پول می‌خواستم مخالفت می‌کردند اما اگر برادر کوچکم پول می‌خواست به او می‌دادند. این تبعیض باعث شد همیشه با آنها درگیری داشته باشم. شب حادثه برای خرید متادون پول خواستم اما مادرم فقط ۲۰ هزار تومان داد. درد داشتم و باید زود شربت می‌خریدم. سر این موضوع با او درگیر شدم و پدرم هم از مادرم حمایت کرد. از این رفتار عصبانی شدم و به

فکر انتقام افتادم. منتظر ماندم تا آنها بخوابند. وقتی به رختخواب رفتند، با بنزین خانه را آتش زدم. من نمی‌خواستم پدرم بمیرد و فقط می‌خواستم آنها را بترسانم.

با تکمیل تحقیقات در دادسرا برای فرزند به اتهام تسبیب در قتل، کیفرخواست صادر شد و پرونده برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در این جلسه برادر متهم برای او درخواست قصاص کرد و گفت: فرزاد با رفتارهایش ما را خسته کرده بود. او می‌خواست من و مادرم را هم بکشد که زنده ماندیم. مادر فرزاد هم در این جلسه گفت: پسر من به خاطر اعتیادش در این سال‌ها خیلی ما را اذیت کرده است. روز حادثه از من پول خواست تا داروی گوش در بخرد. می‌دانستم گوش درد بهانه است و می‌خواهد دوباره مواد بخرد که مخالفت کردم.

رئیس دادگاه سپس با تفهیم اتهام به فرزاد از او خواست از خود دفاع کند که پسر جوان گفت: مرگ پدرم از روی عمد نبود و نمی‌خواستم او بمیرد. پدر و مادرم همیشه مرا تحقیر می‌کردند و برادرم را بیشتر دوست داشتند. من قصد قتل نداشتم و فقط می‌خواستم بفهمند می‌توانم کارهای خطرناک انجام دهم.

پس از دفاعیات متهم، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.



زن و مرد باید این را بدانند که بعد از آغاز زندگی مشترک باید تفاوت‌ها را شناخته و درک کنند. باید بدانند که با فردی متفاوت از خود، زیر یک سقف زندگی می‌کنند.

